

رهائی



سال دوم ، شماره ۸۲
پنجشنبه ۴
پهلو ۱۰
شماره ۱۳۶۰
ریسال

برای انعکاس اخبار مبارزات توده‌ها

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

سرکوب و کشتار های وحشیانه اخیر یادآور آخرین نمایشات آریامهری

رژیم جنایتکار و قرون وسطایی جمهوری اسلامی برآ هزارمین بار در ظرف دو سال و نیم، درجهی وحشگری و ماهیت ضد بشری خود را به نمایش گذاشته است. اعدام بیش از سی نفر انقلابی در ظرف دو روز، باز همان دروغ پردازیها، جوسازیها و صحنه سازیهای دوران رژیم شاه در مقیاسی مضحک تر و وقیحانه تر تکرار شده است. زندانیانی که ماهها قبل بدون هیچ دلیل، دستگیر شده اند به "جرم" شرکت در تظاهرات چهار روز قبل اعدام میشوند.

محاکمه‌ای در کار نیست، چگونه میتوان افرادی که در عمر روز ۳۰ خرداد توسط پاسداران سرمایه و اوباشان حزب الهی دستگیر شده اند در طرفیکم، دو ساعت "محاکمه" کرد و در ساعت ۹ همان شب به جوخهی آتش سپرد؟ در اینجاست که مفهوم "عدل اسلامی"، که آنهمه درباره اش عوامفریبی کرده اند، در تمامی ابعاد جنایتکارانه اش روشن تر میشود. در اینجاست که روشن تر میشود حکام شرع که خود هر کدام نمونهی تمام عیاری از خلخالگی جلاد هستند، در همان مکتب رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی درس "قضاوت" (و درحقیقت درس جنایت) آموخته اند، تعابیری ضد بشری و قرون وسطایی از مفاهیم قضاوت و عدالت بدست میدهند. بنیاد بیاوریم "محاکمات" ده دقیقه‌ای خلخالگی آدمکش را در کردستان، بنیاد بیاوریم اعدامهای وحشیانهی او و همفکران سرنجعش را در سرتاسر ایران. در اینجاست که یکبار دیگر، ماهیت بیدادگای "عدل اسلامی"، کینه روی بیدادگای نظامی رژیم آریامهری را هزاربار سفید کرده اند، روشن تر میشود. در اینجاست که می بینیم تنها چیزی که جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی از آدمکشان رژیم هیتلری کم دارند کوره های آدم سوزی است (هر چند که نوع اسلامی آن یعنی سنگار یا زنده نگور کردن انسانها در قانون ارتجاعی قصاب پیش بینی شده است). تفاوت فاشیستهای هیتلری و جمهوری اسلامی در اینست که رژیم هیتلری پس از شناسایی پیودیان آنها را دستگیر و طعمه‌ی کوره های آدم سوزی میکرد، در حالیکه همتای اسلامی آن، حتی مردم بیگناه

و نابران را نیز به زکبار گلوله می بندد. برآستی از این رژیم جنایتکار و از یک مشت دعا نویس و روضه خوان و توضیح المسائل نویس ابله و دیوانه که فقط دو سال است که از خواب ۱۴۰۰ ساله بیدار شده اند، و از کسانی که از فردای قیام خونین زحمتکشان با انواع دروغ بافی و عوامفریبیها، حکومت سنگین خود را بر پایه جنایت و کشتار بنیاد نهادند، آیا میتوان انتظار عدالت داشت؟ رژیمی که از همساز ابتداء تظاهرات زنان آزادخواه را بخون کشید، نوروز خونین سهندج و ترکمن صحرا را بوجود آورد، تظاهرات کارگران بیکار را به گلوله بست، عقبه خلق کرد اعلام جهاد داد و فرمان تهاجم و کشتار سراسر کردستان را صادر کرد، خانه های روستاها را ترکمن را سرشان خراب کرد، خلق عرب را توسط مدنی جلاد و پاسداران سرمایه و ارتجاع به زکبار گلوله بست، آذربایجان را بخاک و خون کشید، صیادان بندر انزلی را قتل غلام کرد، به سازمانهای انقلابی بورش برد، نشریات آنها را توقیف کرد، در گوشه و کنار کشور به تکرار انقلابیون و ترور آنها پرداخت و تظاهرات نیروهای انقلابی را خاک و خون کشید، شعبده بازی "عدالمیرالیستی" سرآه انداخت و پس از عوامفریبی ها وقتی که به هدف خود از اجرای این نمایش مسخره دست یافت، "انقلاب بزرگتر از انقلاب اول" را با رسوایی بگور سپرد، گروگانها را آزاد کرد و بدون جریمه انداختن بیش از پنج میلیارد دلار از دسترنج زحمتکشان ایران را بعنوان تازشست به امیرالایسم آمریکا و سردمداران رژیم منفور شاه، بخشید. قراردادهای چند میلیون و چند میلیارد دلاری با کشورهای امپریالیستی امضا کرد. همزمان با آن سرکوب خواستهای کارگران و سایر زحمتکشان و به کشتار کمونیستها و سایر انقلابیون ادامه داد تا ماهیت ضد کمونیستی و ضد انقلابی خود را به امیرالایسم بیشتر نشان دهد و اعتماد آنها را بیشتر جلب کند. رسوایتهای انتخابات و فرآندوسها در جیان را برآه انداخت.

★ ۲۳ انقلابی قیروباران شدند!

ای جلاد! ننگت باد!

میدان تبر زندان اوین امروز ۳۱ خرداد، شاهد بخون غلظیدن ۲۳ انقلابی دیگر بدست جلادان جمهوری اسلام می گشت، و در حالیکه هنوز یک روز از گلوله بستن صدها نفر در میدان فردوسی و خیابانهای اطراف آن نمیگذرد این جنایت در محوطه زندان اوین بوقوع می پیوندد.

خبر اعدام ۲۳ نفر سرعت در تمام کشور پیچید و همه را در بهت و ماتم فرو برد! همه می پرسند آخر چگونه ممکن است به این سرعت و با این شقاوت ۲۳ انقلابی را در مقابل جوخه اعدام قرار داد؟ کدام دادگاه میتواند به این سرعت به "جرایم" این تعداد زندانی رسیدگی کند؟ کدام قانون زندانبانی را که از چند ماه پیش در زندان بوده اند، بخاطر خوشخواهی و زهر چشم گرفتن به میدان تبر میفرستد؟ و کدام وجدان انسانی اینهمه جنایت را تحمل میکند؟

اما جمهوری اسلامی اوباش و جافوکشان اسلامی، جمهوری مرتجعین و آخوندهای بشیرم، برای تمام این جنایات و رذالتها، جواب دارد! چرا باید انقلابیون مجاهد و کمونیست، دختران و پسران دانش آموز را به جوخه اعدام سپرد؟ برای اینکه حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی چند صباحی بیشتر بروی کار بماند.

چرا باید سعید سلطانپور شاعر و نویسنده انقلابی بی را که حتی رژیم منفور پهلوی نیز جرئت اعدام او را به خود نداد، تیرباران کرد؟ برای اینکه با ایجاد فضای رعب و وحشت و نشان دادن اینکه ما حتی از رژیم پهلوی نیز جلادتریم هرگونه مخالفتی را در نطفه خفه کرد.

★ جاسه آفرینان انقلابی، مردم مبارز ایران!

جنایتکاران جمهوری اسلامی که از موج حرکتهای اعتراضی مردم و نیروهای انقلابی وحشت زده شدند، بشیرمانه بحان انقلابیون در بند افتاده و جان هزاران زندانی سیاسی دیگر نیز در معرض خطر است.

حکومت جمهوری اسلامی سعی بر این دارد که با تیربارانهای وحشیانه، مردم را از شرکت در نظا هراتهای نیروهای انقلابی بترساند تا شاید بتواند از همه گیر شدن این اعتراضات جلوگیری کند. اما مردم مبارز ایران که بکنار بوزهی جماعتداران قانون اساسی و ارتش و گارد و ساواک را بخاک مالیده اند از این وحشیگریها نیز هراسی بدل راه نخواهند داد و یکپارچه و متحد علیه استبداد و خفقان بپا خواهند خاست و دیر نیست آن زمان که اشتقام خون تمام شهیدان باز ستانده شود.

گرامی باد خاطرهی ۲۳ شهید انقلابی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۶۰/۳/۳۱
ش: ج-۱۲

سازمان وحدت کمونیستی



برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

سرکوب و...

ارتجاعی ترین "قانون اساسی" های کنونی جهان را توسط مشتق مرتجع بنام "خبرگان" تهیه کرد و در جو مبارزه با اصطلاح ضد امپریالیستی به تصویر رساند. رژیم که در برهه انداختن جنگ ارتجاعی ایران و عراق، مسئولیت مهمی داشت، جنگی که بخش مهمی از کشور و صنایع اساسی آنرا به نابودی کشاند، دو میلیون آواره جنگی شمرد این جنگ جنایتکارانه است. رژیم که آزمندهای آریامهری سیخ و تعلیم جافوکشان حرفه ای و پاندهای سیاه مسلح، استفاده میکند تا پایه های لیزان حاکمیتش را بخمال خود استوار کند. رژیم که هر روز جنایت تازه ای را آغاز میکند (که حتی بر شمردن آنها کتاب قطوری خواهد شد و هنوز آخرین برگ آن نوشته نشده و توده ها با سرنگونی این رژیم جنایتکار و ضد بشیری، آخرین برگ آنرا خواهند نوشت)، و تمامی دستاوردهای قبام بهمن ماه توده ها را یکی پس از دیگری زیر پا گذاشت. و براسی در هیچ زمان و در هیچ کشوری، یک رژیم در مدتی چنین کوتاه، دست به ارتکاب اینهمه جنایت نزده است.

اکنون پس از دو سال و چند ماه از حکومت سراسر جنایت و کشتار، رژیم جمهوری اسلامی در موقعیتی بسیار متزلزلتر از روزهای اولیهی حیات خود قرار گرفته است. در طی این دو سال و چند ماه هر روز این رژیم بخش وسیعتری از توده های طرفدار خود را از دست داده است و هر روز بیشتر از روز قبل سوی انفراد و انزوا پیش رفته است. و هر روز بخشهای وسیعتری از توده های ناراضی از کرائی، بیگاری، نبود مکن، کمبود مابعد نیاز عمومی و غیره به اعتراض برخاسته اند و نفرت خود را از این رژیم را به طرق مختلف ابراز داشته اند. در مقابل رژیم جمهوری اسلامی نیز هر روز وحشی تر و جنایت بارتر از روز قبل عمل کرده است. و در عمل نشان داده است که حتی امثال بنی صدر را که در برپا کردن این با اصطلاح جمهوری و جو احتیاق نقش مهمی داشته است * و اکنون در دعوی قدرت سهم بیشتری را طلب میکنند، نیز تحمل نمیکند.

پس بر این رژیم آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی اکنون در مقابل اوچگیری مبارزات توده ای به درجه ای از استحصال رسیده است و خود را به قدری در مقابل این مبارزات و خواسته های روزافزون زحمتکشان ناتوان و ضعیف می بیند که چاره ای جز کشتار دسته جمعی و اعدام و سرکوب توده ها و ایجاد فضای رعب و وحشت و احتیاق نمی بیند و بطور قطع این سرکوب و احتیاق و کشتار را باز هم تا قساوت و وحشیگری بیشتری دنبال خواهد کرد. و این شیوه ایست که کلیه رژیمهای ستمگر و در حال زوال در آخرین لحظات حیات تنگین خود در پیش میگیرند، و با هر سرکوب بیشتر، یک گام به طرف گور خود نزدیک میشوند. تاریخ معاصر دهها نمونه ای آنرا نشان داده است که آخرین نمونه ها تجربهی رژیم های جنایتکار شاه و سائوزاست. و رژیمهای جنایتکار جمهوری اسلامی و السالوادر نیز سرنوشتی بهتر از سرنوشت اسلاف دور و نزدیک خود نخواهند داشت. □

* هنوز زیاده نبرده ایم که روزنامه های آیندگان، بیفام امروز... با قریبادهای "روزنامه ای بنی صدر" ایجا دنیا بسد گردد بسته شدند. و هنوز زیاده نبرده ایم که در دوران اول بی از قیام فالانژهای حزب الهی بهر کسی که بحث محالف منکر دجواب میدادند "اگر است منگونی جواب استا دینی صدر را بده". و همچنین بیادبیا وریم که بنی صدر کسی بود که جلسهی افتتاحیهی سازمان فاشیستی مجاهدین انقلاب اسلامی را ترتیب داد.

اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان:

۴- دزدیها و چپاول ثروت زحمتکشان

در شماره های پیشین رهاگی، اسناد مربوط به میلیونها تومان از حیث و میلیها، حاتم بخشها و دزدیها آیت الله بهشتی و همدستان او را انتشار دادیم و در همانجا متذکر شدیم که اسناد منتشره فقط بخش ناچیزی از مجموعه دزدیها و غارتگریهای این مزدور بشمار میروند.

در این شماره گوشه دیگری از ثروتهای بتاراج رفتهی زحمتکشان را منتشر میکنیم که حاصل آن بیست و سه مردمداران و نوکران و سرپرندگان رزیم و چپاولگر و جنایتکار جمهوری اسلامی تقسیم شده است.

سند ضمیمه مربوط است به فروش "میل و ساپیر" اناشیهی منزل، اتومبیل و غیره. در این "و غیره" همه چیز میگذرد از جمله "لوازم آرایش"، "اجناس خوراکی"، "موتورسیکلت"، "تلیسمه"، "لوازم الکتریکی و صوتی"، "دوربین و حتی "شیر"، "علوفه"، "توت فرنگی"، "گاو"، "گوسفند"، "گاو"، "شن و ماسه" و حتی ارز خارجی نظیر "فرانک و پوند" و "ترباک" (*).

از نکات جالب یکی اینست که از خریداران این "اجناس" هیچ جا (جز یک مورد: فروش "هفت دستک" بخیال، تلویزیون و دوچرخه به پاسدار منطقهی بسک شمیران) ذکری بمیان نمیآید. دیگر اینکه، جز چند مورد، فروشنده یا فروشندگان این "اجناس" و محاسبات و شرایط فروش و غیره نیز مشخص نیست. جالبتر این که، ریز اقلام، نوع، مقدار، وزن و سایر مشخصات "اجناس" نیز اصلاً معلوم نیست و بصورت عبارات کلی و کشدار آورده شده است نظیر: فروش "لوازم آرایش"، "اجناس خوراکی"، "سرویس غذاخوری"، "ظروف نقره و اناشیهی منزل، دوربین و غیره"، "لوازم منزل"، "سوال" "مصادره شده"، "اموال آقای بهادری"، "پیکان و بنز ۲۲"، "لوازم و اناشیه کاخهای نوشهر و بابل"، "اجناس دست دوم"، "لوازم الکتریکی و صوتی"، فروش اموال مصادره شده در فروشگاه بزرگ ((بنیاد)) و غیره...

مهمتر از همه، قیمت این اجناس است. بطوریکه در جمع کل مشاهده میکنیم، فروش کل بیش از ۱۲ میلیون تومان است (در اینجا کاری نداریم که همین مبالغ فروش نیز بنوبهی خود به انواع مختلف - از جمله بطوریکه در اسناد مربوط به دزدیها و حیف و میل های آیت الله بهشتی دیده ایم - بتاراج رفته اند). آیا ارزش واقعی این اموال چند ده یا چند صد برابر همین "فروش کل" نبوده است؟ با توجه به نکاتی که در فوق ذکر کرده ایم و با توجه به افشاگریهای نشریهی مجاهد در این زمینه (که غالباً قیمت گذار، فروشنده، و خریداریک فرد واخذ بوده و با در بهترین حالت، خریدار از همکاران و

همدستان قیمت گذار و فروشنده بوده است)، هیچ مبلغ دقیقی در مورد ارزش واقعی این اموال در حال حاضر نمیتوان ارائه داد. دقیقاً بخاطر سرپوش گذاشتن بر روی ابعاد مخوف غارتگریها بود که عبارات کلی نظیر "فروش اموال مصادره شده"، "انواع اناشیهی منزل" و غیره به فلان مبلغ بکار رفته است تا رقم تخمینی دزدیها و چپاولگریها نیز معلوم نشود. مثلاً ترباک را به ۵۰۰۰ تومان فروخته اند. اولاً معلوم نیست چه کسی فروخته، خریدار کیست و مهمتر اینکه معلوم نیست چه مقدار ترباک به ۵۰۰۰ تومان فروخته اند. یک کیلو...؟ ده کیلو...؟ صد کیلو...؟ یک تن...؟ هیچ معلوم نیست. مثلاً یک مقدار نامعلوم "فرانک و پوند" بمبلغ ۱۲۵۰ تومان فروخته شده. این پوند از کجا بدست آمده؟ فروشنده کیست؟ خریدار چه کسی است؟ چه مقدار "فرانک و پوند" بود؟ آیا مثلاً هزار فرانک و پوند بود؟ یا صد هزار...؟ معلوم نیست. آیا "وجه نقد" ۱۸۹۵۷ ریال که حاج فرهمند سرمایه دار و (عضو شورای عالی بنیاد مستضعفین) از محل فروش انجام شده به صندوق بنیاد ریخته است چه اجناسی را فروخته؟ به چه کسی یا کسانی فروخته؟ آیا ارزش واقعی "فروش انجام شده" فقط ۱۸۹۵۷ ریال بوده؟ یا ۱۸۹۵۷۰ ریال؟ یا بیشتر؟ معلوم نیست. آیا "لوازم و اناشیهی کاخهای نوشهر و بابل" فقط مبلغ مسخره ۲۷۷ هزار تومان ارزش داشته و با ارزش واقعی آنها دهها و صدها برابر این رقم بوده است؟ دقیقاً معلوم نیست.

سئوالات فوق را در مورد تک تک سطور سند ضمیمه میتوان عنوان و این سؤال را مطرح کرد: اموالی که به مبلغ ۱۲ میلیون تومان فروخته شده بطور واقعی چند ده یا چند صد برابر آن ارزش داشته است؟ ارزش واقعی اموال چپاول شدهی زحمتکشان چه دهها و چه صدها برابر رقم فوق باشد، تردیدی دربارهی اصل دزدیها و چپاولگریها بوجود نمیآورد، فقط ابعاد آنرا مخوف یا مخوف تر میسازد.

(* اخبار فراوانی از هواداران بدست ما رسیده است که پاسداران و کمیتهها از عوامل و مراکز بخش مشروبات الکلی و مواد مخدر هستند (حتی مشخصات پاره ای از این افراد و شمارهی ماشینهای مورد استفاده برای اینکار و غیره در دست است). و در اینجا، معلوم میشود که بنیاد مستضعفان نیز از فروشندگان "ترباک" میباشد.



۳-۱ میل، سایر اناشیه منزل، اتومبیل و غیره

شماره سند	مبلغ بریال	نوع و مقدار جنس
۲۱	۸۸۹/۰۶۰	لوازم آرایش، اجناس خوراکی، سرویس غذاخوری
۶۳	۱۲/۵۰۰	فرانک و پوند
۷۵	۲۰۷/۰۸۰	"
۷۸	۱/۷۵۴۰	وجه نقد دریافتی از محل فروش در فروشگاه بزرگ
۷۹	۱/۶۲۹/۰۹۰	ظروف نقره و اناشیه
۱۰۱	۲/۲۳۴/۲۷۰	انواع اناشیه منزل و دوربین و غیره
۱۰۸	۱۸/۹۵۷	وجه نقد از محل فروش انجام شده توسط آقای برهمند
۱۲۳	۱/۰۹۵/۰۵۰	لوازم منزل
۱۷۸	۲۴/۰۰۰	لوازم منزل
۱۹۲	۲/۵۰۰/۰۰۰	"اموال مصادره شده" رسید مفقود گردیده و مشخص نیست فروش همراه فاکتور بوده یا خیر
۲۰۷	۲/۷۰۰/۹۵۹	لباس و لوازم